

# کتاب یونس

## پیشگفتار

### ساختار کتاب

کتاب یونس که در میان کتاب های نبوتی قرار داده شده، در نگاه اول همانند آنها نیست. این کتاب به جای آنکه مجموعه ای از وحی ها باشد، همچون روایتی است دنباله دار و متشکل از سه صحنه و به نظر می رسد که نبی در آن جایگاهی ثانوی دارد. دو صحنه نخست او را در حالتی نشان می دهد که پس از دریافت کلامی از جانب خدا، خاموش و منزوی است. در طول این زمان، مخاطبین او که ابتدا ملاحان هستند و بعد اهالی نینوا، برخلاف او بسیار پرتحرک می نمایند و مذهبی ترین افراد به نظر می رسند؛ بدینسان، خواننده کتاب دعوت می شود تا خود را در آنان بازابد و به ایشان اقتدا کند. در صحنه سوم، یونس را در برابر خدا تنها می بینیم. اوج کتاب در همین جا است، چرا که مهم ترین دعای نبی و عظیم ترین مکاشفه خدا در خصوص رسالتش در اینجا یافت می شود. نویسنده ای الهام یافته بعدها و به گونه ای کاملاً سازگار با شرایط، مزموور فصل ۲ را در این مجموعه گنجانده که تأثیر مذهبی و نبوتی کتاب چند برابر می کند.

### هدف کتاب

چه نتیجه ای از این نکات می توان گرفت؟ قطعاً دو نکته تعلیمی. پیش از هر

چیز، کتاب در نظر دارد آن تجربه درونی را که هر نبی پشت سر می گذارد نشان دهد. نبی شخصی است که در وهله اول و پیش از هر چیز، متقاعد است که اراده خدا نجات انسانها است (۲:۴). اما نبی باید معمولاً رسالت خود را با اعلام کلامی آغاز کند که افشاکننده شرارت است؛ این امر که سبب می شود او در مسیری خلاف جهت معاصرینش حرکت کند، برایش بسیار سخت است و منزوی اش می سازد. بدینسان، او احساس می کند که زیر بار پیامش کمر خم کرده، و در اثر ترس، جرأت نمی کند با مردم سخن گوید (۱: ۱-۱۶) یا این کار را همچون واعظی مستعفی انجام می دهد (۳: ۱-۱۰)؛ اما حتی در این حالت نیز کلامش می تواند ثمربخش واقع گردد، و این را می توان در ماجرای ملاحان و دریا و باد و ماهی و مردم نینوا و حیوانات و کرچک مشاهده کرد. صرف حضور این کلام که نبی را گریزی از آن نیست، کافی است تا همگان را به لرزه در آورد، حتی حیوانات و طبیعت را.

نکته تعلیمی دوم را در محتوای کلامی که خدا خواهان موعظه اش می باشد و در خصوصیات مخاطبین آن می یابیم. خدا که خود را بر اسرائیل همچون «خدایی رحیم» مکشوف ساخته (خروج ۳۴: ۶-۷)، یعنی خدایی نیکو و نجات دهنده، اعلام می دارد

دانیال را به نگارش در آوردند، تا سبک تاریخ نگاران پیش از تبعید.

### یونس در انجیل

عیسی در باره یونس سخن می گوید و به این شکل، خودش روایت را تعبیر می کند. عیسی در مقابل ناباورانی که از او درخواست معجزات و عجایب می کنند، دست رد به سینه آنان می زند و ایشان را به «نشانه یونس» ارجاع می دهد. منظور او این است که مفهوم معجزاتش در وهله اول، تحقق بخشیدن به کلامی است که این معجزات را همراهی می کند (مت ۱۶:۴؛ لو ۱۱:۲۹-۳۰) و نیز به توبه فرا می خواند. پس از قیام، اهمیت نشانه یونس بیش از پیش درک شد و این امر در توضیحی که انجیل نگار اول می دهد آشکار است (مت ۱۲:۴۰). همچنین این امکان نیز وجود دارد که عبارت موجود در اعتراف ایمان در قدیمی ترین شکلش، یعنی این عبارت که می گوید: «در روز سوم بر حسب کتب برخاست» (۱-قرن ۱۵:۴)، به همین نشانه اشاره داشته باشد. و بالاخره، عیسی مشخص می سازد که یونس نشانه ای است از گستره فراگیر و جهان شمول انجیل او (مت ۱۲:۴۱-۴۲).

خصوصیات طنزآمیز کتاب یونس همواره در طول تاریخ، الهام بخش تندیس سازان و نقاشان مسیحی بوده است. در روزگار ما، این شخصیت کماکان علاقه افراد را به خود جلب می کند. اما شاید علت این امر بیش از آنکه مرهون سبک جالب آن باشد، مرهون پیامش باشد، پیامی که در باره خدا و عشق جهان شمول و تکان دهنده او است.

که برای مردم نینوا نیز چنین است، برای این مردم بیگانه که شهرشان و تعدادشان با اعدادی گرد شده و نمادین توصیف شده (سه روز راه در ۳:۳؛ صد و بیست هزار جمعیت در ۴:۱۱)، تا از این راه، گستره جهان شمول مکاشفه مشخص شود.

### سبک ادبی و تاریخ نگارش

این روایت به وجود شخصیتی تاریخی (۲-پاد ۱۴: ۲۵) پیوند داده شده تا نشان داده شود که تجربه واقعی انبیا مد نظر می باشد. اما روایت همچون داستانی شگفت انگیز و پراز تصویر بسط داده شده تا کاربرد تعلیمی آن ثمربخش تر گردد، چیزی در سطح مَثَل یا حکایت.

تمام نکات آن حاکی از این است که این اثر متعلق به دوره بعد از تبعید است. زبان و سبک آن آشکارا متعلق به دوره ای متأخرتر از دوره کلاسیک زبان عبری است. به علاوه، روش اندیشیدن بر خدمت نبوتی بیانگر تأخیری نسبت به انجام خود خدمت است، خصوصاً نسبت به تجربه ارمیا (مقایسه شود ۳: ۱۰ با ۷:۱۸-۸؛ و ۳:۴، ۸-۹ با ۲۰: ۱۴-۱۸). مضافاً، پیام کتاب حاوی نکات جهان شمولی است که به فراسوی پیام انبیایی نظیر اشعیای دوم در بازگشت از تبعید می رود. طنز موجود در روایت که کمی نیشدار است، سبب می شود که آن را جزوه ای خطاب به جریانات فکری یهودیان عصر عزرا بدانیم که بیش از حد در خود فرو رفته بودند و بالاخره، سبک حاوی تصاویر متعدد بیشتر یادآور سبک حکیمانی است که مدت زمانی کوتاه پس از آن، کتاب های طوبیت و استر و

# کتاب یونس

## یونس به عبث از برابر کلام خدا می‌گریزد

۲-پا:۱۴:۲۵ ۱ کلام یهوه بر یونس پسر امیتیایی به این مضمون فرا رسید: «به یا خیز! به نینوا، شهر بزرگ برو، و بر علیه آن فریاد بر آور که شرارتشان به حضور من بر آمده است...»<sup>a</sup>

۳ یونس رفت تا به ترشیش<sup>b</sup> بگریزد، به دور از روی یهوه. او به یافا<sup>c</sup> فرود آمد و کشتی ای یافت که به ترشیش می‌رفت؛ حق عبور خود را پرداخت و سوار کشتی شد تا با آنان به ترشیش برود، به دور از روی یهوه. اما یهوه بادی عظیم بر دریا فرو آورد و دریا دچار طوفانی عظیم شد، تا آن حد که کشتی در شرف شکستن بود<sup>d</sup>. ۵ ملاحان را ترس فرا گرفت و هر یک به سوی خدای

پید:۴:۱۰؛  
اش:۳-۱:۲۳

مز:۳۰-۲۳:۱۰۷

خود فریاد بر آوردند؛ سپس بارکشتی را به اع:۲۷:۱۸ دریا افکندند تا سبک شوند. اما یونس به ته کشتی پایین رفته، و دراز کشیده بود و در خوابی عمیق بود.

۶ ناخدا به او نزدیک شد و گفت: «چرا خوابیده‌ای؟ بر خیز! خود فریاد بر آور؛ مت:۸:۲۴-۲۵ شاید که این خدا به فکر ما بیفتد و هلاک نشویم.»<sup>۷</sup> سپس به یکدیگر گفتند: بیایید قرعه بیندازیم تا بدانیم این بلا به سبب چه کس بر ما می‌آید. «قرعه انداختند و قرعه به نام یونس در آمد<sup>e</sup>.<sup>۸</sup> به او گفتند:

یوشع:۷:۱۴؛  
۱-سمو:۱۴:۴۱-

«ما را آگاه ساز به واسطه چه کس این بلا بر ما می‌آید<sup>f</sup>؛ پیشه ات چیست و از کجا می‌آیی؛ سرزمینت کدام است و از کدام قوم می‌باشی.»<sup>۹</sup> ایشان را گفت: «من عبرانی<sup>h</sup> هستم، و از یهوه، خدای آسمانها

a اینگونه نیز می‌توان قرائت کرد: «و بر علیه آن این وحی را بیان کن: شرارتشان...»

b تعیین محل این منطقه با قطعیت ممکن نیست. چند فرضیه در این زمینه مطرح است، اما در هر حال، این منطقه در غرب فلسطین واقع است. بعضی معتقدند که شاید منظور شهر «ترتوسوس» در اسپانیا باشد، یا شاید هم «ساردنی» یا تونس. اما مهم ترین نکته این است که برای عبریها، این منطقه دور دستترین نقطه جهان بوده است.

c بندری است در فلسطین (ر.ک. اع:۹:۳۶) واقع در حومه تل آویو.  
d ر.ک: ۱-۲۲:۴۹.

e شاید به حرکاتی اشاره می‌کند که طی آن چوبهایی را در ایفود قرار می‌دادند و آنقدر آن را تکان می‌دادند تا سرانجام یکی از آنها بر روی کسی بیرون بیفتد.

f عبارت «به واسطه چه کس این بلا بر ما می‌آید» در ترجمه یونانی نیامده است و متن را بیشتر قابل درک می‌سازد.

h یونس با استفاده از این اصطلاح قدیمی می‌خواهد بگوید که جزو بت پرستان نیست، بلکه به قومی تعلق دارد که خدا در زمان خروج از مصر به نفع ایشان مداخلت کرد. پس از دوران تبعید، این عنوان دیگر به کار نرفت. لذا یونس آن را عمدتاً به کار می‌برد. این عنوان برای او به منزله اعتراف ایمان است. عهد جدید کاربرد آن را از سر می‌گیرد (ر.ک. اع:۶:۱؛ ۲-قرن: ۲۲:۱۱؛ فی:۳:۵).

۱۵ ایشان یونس را بردند و او را به دریا افکندند، و دریا غضب خود را ترک کرد. ۱۶ آن مردمان دچار ترس عظیمی از یهوه شدند؛ ایشان برای یهوه قربانی تقدیم کردند و نذرها کردند.

### یونس در قعر لجه نزد خداوند دعا می کند که او را نجات می بخشد

۲ یهوه کاری کرد<sup>۱</sup> که ماهی بزرگی باشد تا یونس را ببلعد، و یونس

برای سه روز و سه شب در احشای ماهی ایوب:۷:۱۲؛  
مت:۱۲:۴۰؛  
لوا:۱۱:۳۰  
خود دعا کرد. گفت<sup>m</sup>:

از پریشانی خود به سوی یهوه فریاد زدم  
و او مرا جواب داد:  
از بطن شئول کمک طلبیدم:  
تو صدای مرا شنیدی.

مز:۱۸:۷؛  
۱۱:۱۲۰؛  
۱:۱۳۰؛  
مرا:۳:۵۵؛  
پید:۳۷:۳۵؛  
۳۸:۴۴

۴ مرا به ورطه افکنده بودی، در دل دریاها،

و نهری مرا احاطه می کرد<sup>m</sup>؛

موج های تو و خیزآبهایت

مز:۴۲:۸

جملگی بر من گذشته اند.

که دریا و [زمین] خشکی را ساخته<sup>i</sup>،  
می ترسم.»

۱۰ آن مردمان را ترسی عظیم فرا گرفت و او را گفتند: «چه کرده ای!» آن مردمان فی الواقع می دانستند که او به دور از روی یهوه می گریزد، چرا که آن را به آگاهی ایشان رسانده بود. ۱۱ به او گفتند<sup>g</sup>: «چه باید بکنیم تا دریا در پیرامون ما آرام شود؟» زیرا دریا بیش از پیش بلند می شد. ۱۲ به ایشان گفت: «مرا ببرید و به دریا بیفکنید، و دریا در پیرامون شما آرام خواهد شد؛ زیرا می دانم که به سبب من است که این طوفان عظیم بر شما فرا رسیده است.» ۱۳ آن مردمان به شدت پارو زدند تا باز به [زمین] خشکی برسند، اما نتوانستند، زیرا دریا بیش از پیش بر علیه ایشان بلند می شد. ۱۴ ایشان به سوی یهوه فریاد بر آورده، گفتند: «ای یهوه، از سر فیض، ما را به سبب زندگی این مرد هلاک مساز و بر ما خونی بیگناه مگذار!؛ زیرا تو هستی، ای یهوه، که آن سان که خواسته ای عمل کرده ای<sup>k</sup>.

i. ر.ک. پید ۱:۹.

g رفتار این ملاحان در اینجا عجیب است. یونس مهمان ایشان بوده و به ان اجازه می دهند که انتخاب کند قسمت او چه خواهد بود. علاوه بر این رفتار یونس و ملاحان را از ابتدا باید مقایسه کرد. در «آیه ۵» ملوانان دعا میکنند درستی در هنگامی که یونس می خوابد. در «آیه ۱۰» به یهوه ایمان می آورند و در «آیه ۱۳ و ۱۴» کوشش میکنند یونس را به دریا بیاندازند و از یهوه طلب بخشش میکنند. در «آیه ۱۶» چون دریا آرام شده، یهوه را سپاس می گویند و تمام این اتفاقات زمانی روی می دهد که یونس بر ضد اراده ی خدا از ماموریتش گریزان است.

ژ.ر.ک. تث ۲۱:۸.

k با این جمله، گویا می خواهند چنین چیزی بگویند: «تو هستی که ما را در این طوفان قرار داده ای و ما را در تنگنایی گذارده ای که کسی را به دریا بیندازیم. تقصیری به گردن ما نیست. مسوول تویی.»

l تحت اللفظی: «ماموریت داد». معنی مستتر در این عبارت این است که خدا کلامی می گوید و کلام او همچون فرمانی بی درنگ به اجرا در می آید.

m این مزمور در اینجا به دست کاتبی الهام یافته افزوده شده تا ارزش مذهبی کتاب را تقویت کند. از طریق این مزمور، بر زبان یونس دعایی گذاشته می شود که همراه است با سپاسگزاری برای نجاتی که انتظارش را می کشد.

n این اصطلاحات وضعیت کسی را به تصویر می کشد که در گردابی گرفتار آمده، به اعماق دریا فرو می رود.

می کنند	۵ و من می گفتم: رانده شده ام	مز ۲۳:۳۱
وفاداری <sup>Z</sup> خود را ترک می گویند،	از برابر چشمانت <sup>O</sup> :	۸:۵؛ ۱۲۳:۱؛ ار ۱۹:۳۲
۱۰ اما من، به آواهای ستایش،	چگونه <sup>P</sup> خواهم توانست دیگر بار	میک ۲:۱
می خواهم به تو قربانی ها تقدیم کنم؛	به سوی معبد مقدست نگاه کنم؟	مز ۴:۱۱
آنچه را که نذر کرده ام، می خواهم آن را	۶ آنها تا به گلویم <sup>Q</sup> مرا در بر می گرفت،	پید ۲:۱
وفا کنم.	لجه <sup>R</sup> مرا احاطه می کرد،	مز ۳:۶۹
نجات از آن یهوه است!	جلبک دور سرم می پیچید <sup>S</sup> .	مز ۳:۱۱۶
۱۱ یهوه به ماهی امر کرد و او یونس را بر	۷ به ریشه های کوهها فرود آمده بودم،	
[زمین] خشک قی کرد.	قفلهای زمین <sup>T</sup> برای همیشه بر من بسته	
	شده بود <sup>U</sup> .	مز ۱۰:۱۶؛ ۴:۳۰؛ ایو ۱۸:۳۳
<b>موعظه یونس، بازگشت مردم</b>	اما تو حیات مرا از گودال بالا آوردی <sup>V</sup> ،	
<b>نینوا، بخشایش الهی</b>	ای یهوه، خدای من.	
۱ کلام یهوه بار دوم به این مضمون	۸ آن گاه که در من جانم ضعف می کرد <sup>W</sup> ،	مز ۴:۱۴۲
بر یونس فرا رسید: ۲ «برخیز! به	یهوه را به یاد آوردم،	۴:۱۴۳
نینوا، شهر بزرگ برو و اعلامی را که به تو	و دعایم به سوی تو آمد <sup>X</sup> ،	
خواهم گفت <sup>Q</sup> به آن اعلام نما.» ۳ یونس	به سوی معبد مقدس تو.	۵:۲
حرکت کرد و به نینوا رفت، مطابق کلام	۹ آنان که بتهای باطل <sup>Y</sup> را خدمت	اش ۷:۳۱

O اصطلاح «چشمانت» فقط بر حضور بیرونی شخص دلالت ندارد، بلکه بر حضور همراه با تفاهم و توجه او نیز. ر.ک. مز ۱۶:۳۴؛ ۸:۳۲؛ ۱۲۳:۱؛ ار ۱۹:۳۲؛ حزق ۱۱:۵.

P ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه تئودوسیون. عبری: «اما با اینحال، خواهم توانست دیگر بار به سوی معبد مقدست نگاه کنم». ر.ک. اش ۸:۲۹؛ مز ۲:۶۹.

Q منظور وضعیت هرج و مرج اولیه است. ر.ک. توضیحات پید ۲:۱.

S ترجمه یونانی در اینجا، مصرع اول آیه بعدی را در دنباله این مصرع می آورد.

T زمین به خانه یا شهری تشبیه شده که درهائش همچون صومعه ای بسته و قفل است.

U قرائت ترجمه یونانی: «به سرزمینی فرود آمده ام که قفلهائش بر روی من بسته اند».

V یونس پیشاپیش رهایی خود را به دست خدا مشاهده می کند: این روشی است برای اینکه اعتماد خود را با صدای بلند به خدا اعلام دارد، در عین حال که در سخت ترین مرحله آزمایش خود قرار دارد (ر.ک. مز ۴:۳۰ و غیره).

W تحت اللفظی: «نفسم در من ضعف می کند».

X تحت اللفظی: «بیان کردم» یا «نام تو را خواندم».

Y تحت اللفظی: «بخارهای نیستی». انبیا و مزمو رنکاران پوچی و بطالت بتها را قبلاً افشا کرده بودند. ر.ک. اش ۱۱:۴۴؛ ۱۰:۱۴-۱۵؛ مز ۵:۱۱۵-۷.

Z این کلمه از ریشه «حسد» مشتق شده (ر.ک. توضیحات هو ۱:۴). آنچه که ایشان می بایست به خدا «نذر» کنند، در عمل به بتها وفا کردند. لذا منظور وفاداری ای است که منحرف شده. این نوع دعای حاوی شکایت، همان حالت روحی را تداعی می کند که مکرراً در مزامیر سپاسگزاری (یا مزامیر استغاثه که با سپاسگزاری خاتمه می یابد) مشاهده می کنیم: شخص مؤمن و وفادار فقط برای خویشتن دعا نمی کند، بلکه برای دیگران نیز تا از بدی رویگردان شده، به سوی خداوند بیایند.

a این فعل را می توان به زمان حال نیز قرائت کرد: «... که به تو می گویم». در این صورت، این بدان معنا خواهد بود که یونس، یا بهتر است بگوییم راوی، نیازی ندیده مضمون وحی را پیش از شرح ماجرای رسیدن یونس به نینوا بازگو کند.

یهوه. باری، نینوا شهری بود به گونه ای الهی<sup>b</sup> بزرگ، به اندازه سه روز راه!<sup>c</sup>  
 یونس ابتدا به اندازه یک روز راه پیمود؛ او فریاد بر آورد و گفت: «پس از چهل روز نینوا واژگون شده است!»  
 مردمان نینوا به خدا ایمان آوردند:

ار ۷:۳۶-۷  
 ۱-۱۹:۸

ایشان روزه اعلام داشتند و پلاس پوشیدند<sup>d</sup>، از بزرگترین تا کوچکترین در میان ایشان<sup>e</sup>.<sup>f</sup> خبر به پادشاه نینوا رسید:

مز ۱۳:۳۵  
 ار ۹:۳۶  
 یول ۱۴:۱  
 استر ۱:۴  
 لو ۱۱:۳۰-۳۲

از تخت سلطنت خود برخاست و ردای خود را از روی خود برداشته و خود را با پلاس پوشانید و بر خاکستر نشست.<sup>g</sup> و در نینوا به آگاهی رسانید که «به فرمان پادشاه و بزرگان! بادا که نه انسان و نه حیوان<sup>f</sup>، نه احشام بزرگ و نه کوچک هیچ چیز نچشند؛ بادا که [حیوانات] چرا نکنند و آب ننوشند؛ بادا که خود را به پلاس<sup>h</sup> ببوشانند، چه انسان و چه حیوان، و به سوی خدا با قوت فریاد بر آورند و هر یک از راههای بدش و از خشونت که در دستهایشان می باشد<sup>g</sup>، باز گردند.<sup>h</sup> که

حز ۱۶:۲۶  
 حز ۳۱-۳۰:۲۷  
 ۶:۳  
 حز ۳۱:۳۶  
 ایو ۱۷:۱۶-۱۷  
 ۷:۳۱

می داند که شاید خدا تغییر عقیده دهد و پشیمان شود و از شدت خشم خود باز گردد<sup>h</sup>، آن سان که هلاک نشویم!<sup>i</sup>  
 خدا اعمال ایشان را دید که چگونه از راههای بد خویش بازگشت کرده اند، و خدا از آن بدی که گفته بود به ایشان خواهد کرد پشیمان شد، و آن را بعمل نیاورد.

### خشم یونس، توضیح خداوند

۴ یونس سخت آزرده خاطر شد و به خشم آمد.<sup>۲</sup> او نزد یهوه دعا کرد و گفت: «آه! ای یهوه، آیا این آن نیست که می گفتم، آن هنگام که بر زمین خود بودم؟ به همین سبب شتاب داشتم که به ترشیش بگریزم؛ چرا که می دانستم تو خدایی هستی پر از شفقت و رحمت، آهسته در خشم، غنی در وفاداری، که از بدی پشیمان می شوی.<sup>۳</sup> و اکنون، ای یهوه، جان مرا بگیر؛ زیرا برای من مرگ بهتر است از زندگی.»<sup>۴</sup> یهوه گفت: «آیا نیکو می کنی که به خشم آیی؟»

خرو ۶:۳۴-۷  
 تث ۹:۳-۱۰  
 مز ۱۵:۸۶  
 ۸:۱۰۳  
 ۸:۱۴۵  
 ار ۱۸:۳۲  
 یول ۱۳:۲

۱-۱۹:۱۴

**b** تحت اللفظی: «شهری بود که حتی برای خدا نیز بزرگ شده بود». این روش زبان عبری برای مبالغه است.

**c** منظور از این اصطلاح، بیان ابعاد افسانه ای شهر است. راوی سنتی را نقل می کند که بر اساس آن، نینوا علاوه بر اجتماعی که این نام را بر خود دارد، شامل شهرهای کالچ و دور- شاروکین، و نیز مجموعه ای از اجتماعات کم اهمیت تر می شده که پیرامون اینها گرد آمده بودند که به منزله حومه شهر بودند.

**d** یعنی آداب و رسوم توبه و سوگواری را به جا آوردند. با اجرای این رسوم، به نوعی باور خود را به داوری الهی با حرکاتی نمادین نشان می دادند و بازگشت خود را به سوی خدا ابراز می داشتند.

**e** یعنی از نخبگان یا مقامات گرفته (اشخاصی که در رأس هرم قدرت قرار دارند؛ اشخاص بلند مرتبه و با فرهنگ)، تا توده مردم (مردم عادی و فاقد تعلیم).

**f** طرز تفکر کتاب مقدس گرایش دارد که حیوانات را نیز در نجات انسان شریک سازد. در نتیجه، در اینجا آنها نیز فرا خوانده شده اند تا رسوم توبه و بازگشت را همزمان با انسان به جا آورند.

**g** اندیشه ای که با این کلمات بیان شده این است که هر عمل خشونت باری به دستهای انسان چسبیده باقی می ماند و باید با عزمی راسخ آنها را زدود، عزمی که همانا توبه باشد، بازگشت شامل این موارد می گردد: روزه، خاکستر، دعا به درگاه خدا، ایجاد اصلاحات اخلاقی.

**h** تحت اللفظی: «شاید که از حرارت بینی اش باز گردد»، یعنی از خشم خود، اما در مفهوم الهیاتی آن، نه در مفهوم روان شناختی اش. این اصطلاح می خواهد بیان کند که خدا در اجرای مجازاتش هنوز تصمیم قطعی نگرفته است.

گفت: «برای من مرگ بهتر از زندگی است.»<sup>۹</sup> خدا به یونس گفت: «آیا نیکو می کنی که به سبب کرچک به خشم آیی؟»<sup>۴:۴</sup> او گفت: «نیکو می کنم که به خشم آیم تا از آن بمیرم.»<sup>۱۰</sup> یهوه گفت: «تو بر این کرچک دل سوزاندی، که برایش زحمت نکشیدی و بزرگش نکردی، و در یک شب رویید<sup>n</sup> و در یک شب تلف شد.<sup>۱۱</sup> و من آیا نمی بایست بر نینوا، شهر بزرگ دل بسوزانم، که در آن بیش از صد و بیست هزار آدمی<sup>o</sup> هست که دست راست خود را از دست چپ تشخیص نمی دهند<sup>p</sup>، و نیز حیوانات به تعداد بسیار!»

یهودیه ۲:۵، ۱۵؛  
مکا ۷:۴

یونس از شهر خارج شد و در شرق شهر نشست؛ در آنجا، بر خود سایبانی ساخت و زیرش نشست، در سایه، تا ببیند که در شهر چه ممکن است واقع شود.<sup>۱</sup> یهوه خدا کاری کرد که کرچکی<sup>۲</sup> به وجود آید که بر فرازیونس بالا آمد تا بر سرش سایه باشد، تا او را از دردش رهایی دهد. یونس از این کرچک بسیار شاد شد.<sup>۳</sup> اما خدا کاری کرد که گرمی باشد، در روز بعد، به هنگام بر آمدن پگاه<sup>k</sup>، و این گرم کرچک را نیش زد که خشک شد.<sup>۴</sup> باری، در طلوع آفتاب، خداکاری کرد که باد شرقی<sup>۱</sup> سوزان<sup>m</sup> باشد؛ و خورشید بر سر یونس زد که از حال رفت، و برای خود آرزوی مرگ کرد و

i می توان این گونه نیز قرائت کرد: «یونس از شهر خارج شده بود و در شرق شهر نشسته بود؛ در آنجا، برای خود سایبانی ساخته بود و زیرش نشسته بود.» در این صورت، راوی می خواهد جزئیاتی را تصریح کند که در آغاز فصل ۴ ذکر نکرده است.

j گیاهی که کلمه عبری بدان اشاره می کند، ناشناخته است. سنت قرون وسطایی که در عبری امروزی نیز به کار رفته، آن را «کرچک» تلقی می کند.

k. ر. ک پیدا ۱۹:۱۵:۳۲:۲۵ و ۲۷:۲۷:۶:۱۵؛ داوود ۱۹:۲۵-۱-سمو ۹:۲۶:۴:۱۵.

l منظور بادی گرم است که از صحرا می وزد (سیرو کو): ر. ک. هو ۱۳:۱۵؛ ایوب ۱:۱۹.

m تحت اللفظی: «که شخم می زند»؛ یعنی اینکه باعث رنج می شود.

n تحت اللفظی: «که پسر یک شب بود و پسر یک شب تلف شد». منظور این است که ظاهر شد تا فقط یک شب زنده باشد. در اینجا باید به زیبایی شاعرانه این عبارت توجه داشت که در عبری بسیار زیباتر می نماید چرا که با شباهت اصوات کلمات بازی می کند.

o این عددی است نمادین که به جهان شمول بودن امر دلالت دارد. چنین نمادی در یهودیه ۲:۵، ۱۵ و نیز مکا ۷:۴ به کار رفته است.

p برخی از مفسران بر این عقیده اند که معنای این عبارت این است که این افراد به سن عقل نرسیده اند. شاید هم منظور چنین چیزی باشد: «که نمی توانند میان رفتاری که منتهی به سعادت می شود و رفتاری که منتهی به تیره بختی می شود، دست به انتخاب بزنند». عبارت «دست راست و دست چپ» به نوعی وابسته به مفهوم سعادت و بدبختی است.